



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۱۰/۲۳

جليل غنی

معيار ها و قضاوت ها

با آشفته‌گی و پراگندگی و از هم گسیختگی های که ارمان نا میمون پنجاه سال اخیری است که جنگ بر افغانستان و جامعه ی افغانی تحمیل نموده، همه ارزش های پسندیده ی جامعه را دگرگون ساخت از مناسبات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی گرفته تا باور های دینی و مذهبی، ارزش های والای فرهنگی، مناسبات خانوادگی و رفاقت ها و دوستی ها، دشمنی ها. بر مبنای همه ی این تغییرات و تحولات معیار های قضاوت ها هم بر همه زوایا تاثیر گذار بوده و روند عادی زندگی مسیر سقوط و تنزل را می پیماید، مناسبات عادی دوستی با انسانها، ملتی که از چهل سال به اینطرف جز بدوش کشیدن جنازه های عزیزان و دوستان و هم دیاران و هم قطاران خود فرصت دیگری نداشتند و فکر و ذکر آنها جستجوی امکان زنده ماندن خود و عزیزان و خانواده های شان بوده است، در هم ریخت. قضاوت ها بر رویداد ها و نظریات و تحلیل ها و تفسیر های دانشمندان و اهل نظر و نویسندگان و آگاهان جریانات مختلف زندگی امروز را این جنگ جهانی بی پایان تغییر فاحش داد.

جریان زندگی در پنج دهه ی گذشته چنان بوده است که گویا در هر قرن و یا هم کمتر از آن در افغانستان دور تسلسل باطل عقب گرد به سده بی قبلی، یک امر فطری و حتمی بوده است. تاریخ افغانستان مشحون از چنین دورانی بوده امیر و سلطان و زعیمی قد علم کرده و تا کمر راست نموده اشخاص و یا گروه و گروه های سر بلند کردند و با عقب دور دادن تقویم، چنان جریان را نه تنها سد شدند بلکه مسیر حرکت را به نقطه ی آغاز چنان حرکت و حتی عقب تر از آن بر گشتانده اند. هدف این نگارش بر رسی این عقب گرائی ها و چرای آن نیست و هم گنجایش آنرا ندارد و تکرار مکرراتی است که با تاسف تا کنون پندی هم از چنان جریان های مهم تاریخی، تا جائیکه دیده می شود، گرفته نشده چون تعداد محدودی هستند که آنها را خوانده اند و آنانی هم که خوانده اند در مورد آن ها این بیت که نه می دانم از کدام مرد صاحب دل و به اصطلاح به جا رسیده و مجربی بود و به حال این دانشمندان صدق خواهد کرد که گفته بود

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

از موضوع دور نه شویم که عنوان این نوشته «معیار ها و قضاوت ها» است. نخست باید عرض شود که هدف از «معیار ها و قضاوت ها» معیار های که بر مبنای آن قاضی یک محکمه در یک دعوی حقوقی قضاوت می کند نیست زیرا هر کشور قوانین و مقرراتی دارد که بر مبنای آن حقوق شهروندان و همچنان برای دولت ها و سایر نهاد های دولتی و حقوقی و قضائی مکلفیت های برای تامین حیات در یک جامعه ی قانونمند و رفاه عامه و تضمین حقوق و مکلفیت ها تعیین میگردد. بحث در این زمینه کار دانشمندان حقوق و سیاست است نه از هیچمدانی مثل من که سر و کارم با رسانه های همگانی بوده است و هنوز هم به حیث شاگرد این مسلک در همین راه روان هستم و هر روز می آموزم.

در سالهای اخیر، اگر بسیار دور نرویم و مدتی را در نظر بگیریم که آزادی نسبی بیان و باور و فکر بعد از تحولات بیست و یک سال اخیر که میکانیزم جدید پس از دوره اول حاکمیت طالبان روی کار آمد - هر زمانی که این اصطلاح دوره اول را می نگارم یادم از درس های تاریخ در مکتب می آید که همیشه می خواندیم دوره اول امیر... دوره دوم شاه... و... - به هر صورت حالا هم در دوره ی دوم حاکمیت طالبان قرار داریم و با این اصطلاح بیگانه نیستیم، یکی از بزرگترین دست آورد ها همین آزادی مطبوعات بود که بر اساس آن نشرات رادیوئی و نوشتاری و تلویزیونی و انتر نیت و در پهلوی آن تهاجم نشرات دنیای مجازی مثل فیسبوک و توئیتر و پیام گیر و امثال اینها چون مور و ملخ و سیمارق سبز شد و فضای مطبوعاتی و نشراتی چنان انباشته از هر گونه خبر و نظر و تحلیل تفسیر بدون سانسور و دقت فمسا مکدر و قسما منور گردید که گنجایش مغز های ملتی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

سر در گم و متحیر را هم نداشت. و در این میان با بر داشت نا مکمل و ناقصی که از کلمه «آزادی بیان و عقیده» شده بود، چون این پدیده بدون توضیح و تعلیم مزایا و امتیازات و حدود و ثغور و محدودیت ها ی آن به یکبارگی بر بازار نشرات و بدون سانسور و تعیین چار چوب قانونی و حقوقی هجوم برد، هر کس هر چه خواست نوشت و گفت و فلم گرفت و رادیو تاسیس کرد و تلویزیون براه انداخت و از این رهگذر بعضی ها صاحب جاه و مال و منال شدند بعضی دیگر آله ی دست این و آن قرار گرفتند و یا هم ورشکست شدند و اما بیشترین استفاده را از این لجام گسیختگی های نشراتی فعالین سیاسی جریان های بردند که یا در بیرون از افغانستان تشکل داده شده بودند و اهمیت رسانه ها را درک کرده بودند و یا هم روابطی با تاثیر گذاران جامعه و سیاستگران داشتند و به این ترتیب به اصطلاح به اسم و رسمی و نامی و نشانی رسیدند.

این فقط یک یاد داشت مختصری بود برای در آمدی به اصل مطلب که چرا معیار های قضاوت به خصوص در رابطه با نشرات در رسانه ها و نوشته ها تغییر نمود و چگونه بر آثار و نوشته ها قضاوت می شود و چنین قضاوت های چه تاثیرات مثبت و یا منفی بر نگارندگان و مفسرین و تحلیل گران دارد.

صحبت بر این نیست که کدام نویسنده و یا مفسر و تحلیل گر چه و چگونه و روی چه موضوعاتی خوب یا خدای نخواست خراب می نگارد. وقتی به نظریات و تبصره های خوانندگان و یا هم بینندگان و شنوندگان را چه در رسانه های همگانی انتر نیتهی از قبیل ویسایت ها و یا هم فیسبوک ها و یا سایر وسایل، نظری اجمالی ببیندازیم واضحا می بینیم که اکثر ارزیابی ها و قضاوت ها بر نوشته ها حالا، چه کوتاه باشد و چه طولانی در دو سه صفحه، بنا بر معیار های متفاوتی مورد قضاوت قرار می گیرد. این قضاوت ها از یک جانب حاوی ابراز عقاید متفاوت مثبت و منفی است که یکی از مزایای آزادی فکر و بیان است که تصویر مملتری از موضوع مورد بحث ارائه می دارد، به خصوص نظریات و ابراز نظر های که وارد به اصل مطلب بوده و مبصر و مفسر و نظر دهنده بر موضوع وارد و مسلط بوده و نظرش را بر مبنای تحقیقات علمی و مطالعات و مستند و مستدل ارائه دهد که می توان چنان نظر و یا توضیح را نهایت مثبت و موثر خواند و از آن مستفید گردید و اما جانب دیگر قضیه در عین موضوع مورد بحث عالی جنابی قلم را می دارد و بنا بر هر دلیل غیر موجه که باشد هرچه دل تنگش خواست می نویسد که دیده می شود معیار های قضاوت او بر مبنای متفاوت نسبت به تبصره کننده ئی قبلی بوده است. برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب مستقیم می رویم به دلایل تغییر این معیار ها. در آغاز گفتیم که جنگ های چندین دهه ی اخیر تاثیرات نا گوارای بر جامعه و طرز فکر، مناسبات، تعلقات و بر داشت های فکری و فرهنگی وارد کرده به خصوص در جامعه ی افغانی با کثرت اقوام. استفاده ی سیاستگران غیر ملی و متعلق به گروه های مختلف از این نا همگون بودن های قومی، منطقوی، فرهنگی و عقیدتی، با تحریک سود جویان بیرونی، در دامن زدن ها به این تفاوت ها نقش منفی بازی کردند و در انقسام جامعه با پالیسی های سود جویانه ی خود شان به قطب های مختلف قومی و زبانی و مذهبی و سایر تفاوت ها زمینه پراگندگی بیشتر را فراهم ساختند. حالا هم تعدادی از آنها که بر نوشته های دیگران تبصره می کنند کمتر با محتوا بوده به جز اهانت و تهمت و حتی دشنام های خارج از ادب نویسندگی را در بعضی از تبصره می توان دید که در هیچ یک از اصول و موازین نشراتی برای آن جایی نیست و جواز ندارد. حالا معیار ها برای قضاوت بر مبنای قومیت، زبان، مذهب، سمت، تعلقات سیاسی، عقیده و تفکر سیاسی شخص نویسنده، سابقه کار و همکاری با کدام حکومت و یا جریان فعال سیاسی و امثال اینهاست. و شور بختانه در بعضی از تبصره ها کافی است که یک سطر را بخوانی میدانی که این نظر چه مبنای دارد.

اما چنین تبصره ها و نظریاتی که به طور واضح دیده می شود معیار های قضاوت چه فکتور های بوده و نه مکمل و نه هم هدف اصلاحی دارد، تاثیر نهایت منفی بر نویسندگان و تحلیل گران نیز دارد. هیچ انسانی نه می خواهد مورد تحقیر و توهین قرار گیرد، هیچ فردی حاضر نیست به خاطر عقیده ی که دارد بر شخصیت و حیثیت نه تنها خودش بل به خانواده اش تجاوز شود، هیچ بشری حاضر نخواهد بود با کسانی که هیچ ارزشی به شخصیت، قومیت، ملیت، عقاید، زبان، مذهب، ترجیحات سیاسی، ارزش های فرهنگی او قایل نبوده مورد توهین، تحقیر و تعجیز و بی احترامی قرار گیرد، خود را طرف سازد و به چنان سطحی نزول کند. بنا بر آن یک راه برای او باقی می ماند «سکوت» که این سکوت ستم دیگری است بر جامعه ی که بیش از هفتاد در صد آن از سواد محروم گردیده اند و مسبب آن نادانی است که باعث جلوگیری از روشنگری و خدمت به جامعه شده است.

پایان